

دورنامه

دانشگاه صنعتی شریف

۱۰:۴۰:۲۰

هر چه تیر زدی مرا زخم نشد جوانه شد

سرمقاله

سد ذلت ناپذیر

احمد رضا مجیدی



۹۹ مهندسی مواد

چرا در این جنگ، به دانشگاه‌ها و زیرساخت‌هایمان حمله شد؟ و چرا در سال‌های اخیر اهداف دشمن متنوع شده است؟ شاید بهتر باشد برای درک آن، کمی از صفحه امروز کتاب تاریخ فاصله گرفته و چند فصل گذشته‌اش را ورق بزنیم. می‌شود جریان تاریخ را نه فقط با عدد و سند، که با نبض تحقیر و ایستادگی سنجید. چندان عجیب نیست اگر مردم ونزوئلا، پس از گروگان گرفته شدن رئیس‌جمهورشان احساس حقارت کرده باشند. وقتی قدرتی فرادست یک ملت، با تهدید و زور، به آن‌ها یادآوری می‌کند «تصمیم‌گیرنده تونیستی»، زخم عمیقی می‌زند و باعث می‌شود مردم از خودشان بپرسند چرا سرنوشتشان باید بی‌چون و چرای در دست یک قدرت طلب خارجی قرار بگیرد و خودشان حق هیچ اظهار نظری نداشته باشند. تنها پای ونزوئلا هم در میان نیست. بسیاری از کشورها هر کدام در حد و اندازه خودشان، در اثر امتیازهایی که داده یا نداده‌اند، توسط «دیپلماسی تحریم، تعرفه و تهدید آمریکا»، تحت فشار قرار گرفته‌اند. کافی است نگاهی به روابط آمریکا با ناتو، اوکراین، مکزیک، کانادا و... ببیندازیم. ردپای این استعمار و تحقیر در حافظه تاریخی ما هم وجود دارد. ما که یک بار کودتای آمریکایی-انگلیسی را علیه دولت شکل گرفته بازاده مردم، تجربه کرده‌ایم و کودتای ۲۸ مرداد علیه دولت مرحوم مصدق، تحقیر تاریخی ما شد. فهمیدیم اگر در زمینه‌های مختلف «قوی و مستقل نباشیم»، دست‌های دیگری می‌توانند با توهین و تحقیر تاریخ ما را ورق بزنند. آن روزها، خفت را با پوست و استخوان حس کردیم؛ خفت بی‌قدرتی، وابستگی، خفه شدن و در نظر گرفته نشدن!

اما تاریخ همیشه در یک نقطه نمی‌ماند. امروز ما دیگر آن کشور بی‌قدرت نیستیم که دشمن تنها با افراد محدودی جنگ نظامی داشته باشد و به تحقیر کردن بقیه اکتفا کند. اگر در ۲۸ مرداد، ایران شاهد جنگ دشمن با مصدق بود، امروز «تمام ایران» روبروی اراده و زیاده‌خواهی‌هایش قرار گرفته است. در بخشی از همین ایران هم دانشگاه‌ها و در خط مقدمشان شریف، بعد از مهار سیاسی و اقتصادی دشمن، با «دیپلماسی تحریم دانش و ترور علمی» مواجه و به سدی مقابل زیاده‌خواهی تبدیل شده‌اند. این بار ما هستیم که اراده جنگ طلبان را در نقطه‌ای که گمان می‌کردند پایان تمدن ماست، متوقف کرده‌ایم. تاریخ برای ما پرهزینه بوده، اشتباه داشته‌ایم، رنج کشیده‌ایم، اما دیگر اتاق‌های فکر آن طرف دنیا نمی‌توانند با یک امضا، سرنوشتمان را بدون خواست ما تعیین کنند. چرا که تمام ایران یک سد ذلت ناپذیر در برابر خواست دشمن است و یکی از این سدها، «دانشگاه صنعتی شریف».



ساعت شریف

روایت لحظه به لحظه آنچه پس از رسیدن بسته‌های کمک بر شریف گذشت

امیرعلی زلیکانی

۴۰۳ مهندسی صنایع



داستان این چند خط، داستان ساعت‌هایی است که در ۱۱:۴۰:۲۰ برای همیشه فریز شدند؛ داستان سرورهایی که سوختند، داستان خاطراتی که سال‌ها شکل گرفته بودند و در یک صبح ناگهانی زیر آوار رفتند. این داستان، داستان هجوم به خانه‌ی دوم چند هزار نفر است؛ داستان بسته‌های کمکی که صبح ۱۷ فروردین در جنوب شریف رها شدند؛ داستان دشمنی که برای کمک به ما، موشک‌هایش را روانه‌ی دانشگاه‌مان کرد؛ داستان چشم‌هایی که نمی‌خواستند، یا شاید نمی‌توانستند، تصاویر منتشر شده از صبح دوشنبه‌ی شریف را باور کنند.



شکستن سکوت نقطه دنج دانشگاه

از همان لحظات ابتدایی حمله، خبر هدف قرار گرفتن شریف خیلی زود در رسانه‌ها منتشر شد. کمی بعد، خبرها کامل‌تر شدند و مشخص شد حمله در ناحیه‌ی جنوبی دانشگاه و در یکی از دنج‌ترین و کم‌ترددترین نقاط آن، یعنی حوالی فاوا، صورت گرفته است؛ همان جا که خانه‌ی سرورهای دانشگاه، زیرساخت‌های هوش مصنوعی و بخشی از توان فناورانه و دانش‌بنیان شریف بود. در اثر این حمله، پست گاز دانشگاه نیز آسیب دید؛ موضوعی که خوشبختانه به دلیل تدبیر قبلی و خالی بودن گاز درون لوله‌های دانشگاه، به فاجعه‌ای بزرگ‌تر تبدیل نشد. از همان دقایق نخست، نیروهای امدادی، شهرداری و اداره‌ی گاز در محل حاضر شدند تا هم خیابان آزادی و مسیر پیاده‌رویش باز شود، هم مشکل گاز منطقه برطرف شود و به ابعاد حادثه در شریف رسیدگی شود. آرام‌آرام نوبت به انتشار تصاویر رسید. تصاویری که در تاریکی گرفته شده بودند، هنوز ابعاد کامل حادثه را نشان نمی‌دادند، اما فیلم‌ها و عکس‌هایی که از درون مسجد دانشگاه منتشر می‌شد، کم‌کم تصویر روشن‌تری از حجم خسارت به ساختمان‌های اطراف محل حمله به ما نشان می‌داد. دانشگاه هم، با دیدن قطع شدن سامانه‌ها در اثر حمله به قلب تپنده‌ی زیرساخت‌های آموزش مجازی، کلاس‌های روز دوشنبه را تعطیل اعلام کرد.



شریف زخمی در برابر چشم شریفی‌ها

با جلوتر رفتن ساعات و روشن‌تر شدن ابعاد ماجرا، مشخص شد که همسایه‌های فاوا، یعنی ساختمان فلسفه‌ی علم، ضلع غربی مسجد تازه‌سازی شده‌ی شریف و حتی بخش‌هایی از دانشکده‌های برق و عمران نیز از این حمله بی‌نصیب نمانده‌اند و آسیب جدی دیده‌اند. از صبح حادثه، دکتر تجربی، رئیس دانشگاه، به همراه دکتر وصال، معاون مالی دانشگاه، و نیز مسئولان آموزش و فناوری اطلاعات، در محل حاضر شدند تا ضمن بررسی دقیق‌تر، تصمیم‌های لازم برای مواجهه با این وضعیت گرفته شود. خیلی زود اما پای شریفی‌های کابینه هم به شریف باز شد. دکتر افشین و دکتر مدنی زاده خیلی زود خودشان را به خانه رساندند تا از نزدیک ابعاد این حمله را ببینند. دکتر شالچی هم صبح همان روز به شریف آمد. در سطح رسانه‌های نیز خبرگزاری بین‌المللی Associated Press از نخستین رسانه‌های خارجی بود که به پوشش این جنایت پرداخت. کمی بعد، آقای معاون اول، دکتر عارف، هم با پیامی این حمله را نماد جنون و جهل خواند.

وقتی امید از دل خبرها برگشت

با نزدیک شدن به ظهر، موج عظیمی از پیام‌های شریفی‌های امروز و دیروز در سراسر دنیا، که هنوز در بهت و حیرت بودند، در فضای مجازی منتشر می‌شد. هنوز هضم آنچه بر شریف گذشته بود برای همه سخت بود. حوالی ظهر، مصاحبه‌ای از دکتر اسدی منتشر شد که اهمیت فاوا را برای همه روشن‌تر می‌کرد؛ مرکزی که تنها به دانشگاه خدمت نمی‌کرد، بلکه به همه مردم ایران خدمت می‌رساند. از خدمات پردازش سریع با هزاران کاربر در سطح کشور گرفته تا خدمات پایه‌ی هوش مصنوعی برای دانشگاه‌ها، بانک‌ها و مراکز مختلف. در این میان، نیروهای خدماتی نیز از جان مایه گذاشتند تا با وجود رفت‌وآمد مسئولان و رسانه‌ها، محیط دانشگاه و محل حادثه تا حد امکان برای تردد ایمن بماند. حوالی غروب، پیام دکتر عراقچی هم در رسانه‌ها بازتاب یافت. وزیر امور خارجه، با خطاب قرار دادن شریف به عنوان MIT ایران، حمله به دانشگاه را به شدت محکوم کرد. با گذشت زمان، سیل یادداشت‌ها و دل‌نوشته‌های شریفی‌ها بیشتر می‌شد. هنوز ۲۴ ساعت از حمله به دانشگاه نگذشته بود که دانشگاه اعلام کرد، کلاس‌ها از ۱۸ فروردین از سر گرفته می‌شوند؛ پیامی که نشانه‌ای از توان بالای دانشگاه در بازیابی و تاب‌آوری بود و به نوعی امید را به همه‌ی بخش‌های دانشگاه بازگرداند.

۵ تا ۷ همت کمک بشردوستانه

در روز چهارشنبه نیز، مانند روزهای قبل، سیل عظیم پیام‌های خانواده‌ی شریف نشان می‌داد که این اتفاق تا چه حد برای همه سنگین، غم‌انگیز و خشم‌آور بوده است. ظهر چهارشنبه، مرکز و کلاس‌های خود را در رشته‌های مختلف تخصصی، از جمله تأسیسات، ساختمان، عمران، هنر و رسانه، باستان‌شناسی، ایران‌شناسی، فناوری اطلاعات و اقتصاد آغاز کرد تا تجهیزات، اماکن و دارایی‌های آسیب‌دیده‌ی مادی و معنوی ثبت شوند. فرایندی که قرار بود نتیجه‌اش مبنای دعاوی حقوقی در دادگاه‌های داخلی و خارجی و نیز ارائه به نهادهای بین‌المللی قرار گیرد تا در مسیر جبران خسارت مورد استفاده باشد. در همین روند، رئیس دانشگاه و معاون مرکز و کلاس‌های بین ۵ تا ۷ همت برای خسارت‌های وارد شده برآورد کردند. انجمن فارغ‌التحصیلان نیز در بیانیه‌ای اعلام کرد که تاریخ نشان داده پیشرفت دانش متوقف نمی‌شود و مسیر رشد در شریف با قدرت بیشتری ادامه خواهد یافت. در پایان ۱۹ فروردین نیز نامه‌ای از سوی رئیس دانشگاه تهران منتشر شد که در آن، حمایت کامل خود از شریف را اعلام کرده بود و یک بار دیگر تأکید کرد که دانشگاه تهران در کنار شریف ایستاده است.



قاب امید

با آغاز روز ۱۸ فروردین، شورای صنفی نیز در پیامی این حمله را به شدت محکوم کرد.

حوالی ظهر، اما تصویری منتشر شد که خیلی زود به یکی از ماندگارترین تصاویر آن روزها تبدیل شد. تصویری از استاد زارعی، رئیس مرکز فاوا، که در دفتر تخریب‌شده‌ی خود در حال برگزاری کلاس بود. این تصویر، یکبار دیگر پیام ادامه‌دار بودن مسیر علم و متوقف نشدن آن با موشک و بمب را به همه مخابره کرد. تصویری ماندگار و پر بازدید که خیلی زود به یکی از مهم‌ترین قاب‌های تاریخ دانشگاه و این روزهای تلخ تبدیل شد؛ تصویری که در دل خود ریشه‌های امید داشت. امید به ساختن دوباره از دل خرابه، امید به حضور استاد شریف در متن جامعه. از ظهر سه‌شنبه نیز نشست خبری دکتر تجربی، رئیس دانشگاه، با حضور حدود ۳۰ رسانه‌ی داخلی و بین‌المللی در محل حمله برگزار شد. غروب روز ۱۸ فروردین هم نامه‌ی فارسی و انگلیسی رئیس دانشگاه خطاب به رؤسای دانشگاه‌های جهان منتشر شد؛ نامه‌ای که از جهان‌دانشگاهی می‌خواست در برابر این جنایت آشکار سکوت نکنند.



سازمان ملل نظاره‌گر زخم شریف

از همان لحظات ابتدایی حمله، خبر هدف قرار گرفتن شریف خیلی زود در رسانه‌ها منتشر شد. کمی بعد، خبرها کامل‌تر شدند و مشخص شد حمله در ناحیه جنوبی دانشگاه و در یکی از دنج‌ترین و کم‌ترددترین نقاط آن، یعنی حوالی فاوا، صورت گرفته است؛ همان‌جا که خانه‌ی سرورهای دانشگاه، زیرساخت‌های هوش مصنوعی و بخشی از توان فناورانه و دانش‌بنیان شریف بود. در اثر این حمله، پست گاز دانشگاه نیز آسیب دید؛ موضوعی که خوشبختانه به دلیل تدبیر قبلی و خالی بودن گاز درون لوله‌های دانشگاه، به فاجعه‌ای بزرگ‌تر تبدیل نشد. از همان دقایق نخست، نیروهای امدادی، شهرداری و اداره‌ی گاز در محل حاضر شدند تا هم خیابان آزادی و مسیر پیاده‌روی‌اش باز شود، هم مشکل گاز منطقه برطرف شود و به ابعاد حادثه در شریف رسیدگی شود. آرام آرام نوبت به انتشار تصاویر رسید. تصاویر اولیه که در تاریکی گرفته شده بودند، هنوز ابعاد کامل حادثه را نشان نمی‌دادند، اما فیلم‌ها و عکس‌هایی که از درون مسجد دانشگاه منتشر می‌شد، کم‌کم تصویر روشن‌تری از حجم خسارت به ساختمان‌های اطراف محل حمله به ما نشان می‌داد. دانشگاه هم، با دیدن قطع شدن سامانه‌ها در اثر حمله به قلب تپنده‌ی زیرساخت‌های آموزش مجازی، کلاس‌های روز دوشنبه را تعطیل اعلام کرد.



از آقای ریاضی تا آقای گزارشگر

عصر ۲۱ فروردین و تنها ۴ روز پس از حمله، با تلاش شبانه‌روزی مرکز فاوا، سایت دانشگاه دوباره به چرخه بازگشت و آغاز موج بازگشت سامانه‌های دانشگاه رقم خورد؛ اتفاقی که به امید را دوباره در دل شریفی‌ها رشد داد. غروب همان روز، ایمیل شریف هم برگشت و بلافاصله فرادای آن نوبت به MySharif رسید. صبح ۲۲ فروردین با حضور دکتر عبدالحسین خسروپناه، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، آغاز شد که از محل حادثه بازدید کرد. بعد از ظهر همان روز دکتر سیاوش شهشهانی، چهره‌ی برجسته‌ی علوم ریاضی، نیز از محل حمله بازدید کرد. شنبه اما دانشگاه میزبان یکی دیگر از چهره‌های شناخته‌شده‌ی خود بود؛ دکتر عادل فردوسی‌پور، فارغ‌التحصیل دهه‌ی هفتاد صنایع شریف و مدرس زبان تخصصی صنایع، برای بازدید از محل حادثه به دانشگاه آمد. شب هم خبر بازگشت سامانه‌ی آموزش منتشر شد؛ خبر خوشی که برای بسیاری نشانه‌ی بازگشت آرام‌آرام زندگی عادی به دانشگاه بود.

روزهای روایت

صبح یکشنبه با خبر بازگشت VC آغاز شد. در ادامه، دکتر محمدرضا هرمزی‌نژاد، استاد دانشکده‌ی شیمی و رئیس بنیاد علم ایران، با حضور در محل حادثه یادآوری کرد که این حمله فقط به یک ساختمان نبوده، بلکه به چندین گروه پژوهشی حمله شده است. در هفتمین روز پس از حمله، دکتر ابوالفضل واحدی، معاون آموزشی وزیر علوم، نیز وارد دانشگاه شد و از محل حادثه بازدید کرد. با ادامه‌ی آواربرداری در بخش‌هایی از دانشگاه، تصاویر بیشتری منتشر می‌شد که ابعاد حادثه و تلخی آن را بیش از پیش نشان می‌داد. در ۲۶ فروردین نیز دوربین سرنوشته به شریف رسید و روبه‌روی فاوا، با حضور جمعی از استادان و فارغ‌التحصیلان، روایت دیگری از این زخم ثبت شد.

فاوا؛ قلعه‌ای که نوکش را می‌دیدیم

با ادامه‌ی پیام‌های قدیمی‌های دانشگاه در سراسر جهان و مرور خاطراتشان با ساختمان‌های آسیب‌دیده، روزهای بعد هم درگیر همین غم و همین بازخوانی بودند. در کنار این واکنش‌ها، طیف گسترده‌ای از فارغ‌التحصیلان و استادان پیشنهادهای مالی مختلفی برای کمک به بازسازی و برپا شدن دوباره‌ی این مجموعه مطرح کردند و همین باعث شد جمعی از آنان به همت انجمن فارغ‌التحصیلان، بنیاد حامیان و مؤسسه‌ی نیک‌اندیشان دست به راه‌اندازی «صندوق بازسازی و نوسازی شریف» بزنند. با فروکش کردن تب روزهای نخست، ابعاد تازه‌ای از آنچه از دست رفته بود آشکارتر شد. فاوا میزبان پروژه‌ی مزرعه‌ی GPU و سکوی ملی هوش مصنوعی بود؛ پروژه‌ای که از مهر ۱۴۰۳ با محوریت شریف و همکاری تیم‌های دانشگاهی و دانش‌بنیان آغاز شده بود و تا مراحل نسخه‌ی اولیه و ارائه‌ی خدمات محدود پیش رفته بود. زیرساخت‌های پردازش سریع، هوش مصنوعی و دیتاسنتر مرکزی شریف که مورد استفاده‌ی دانشگاه‌ها و شرکت‌ها بود، در این حمله آسیب جدی دید و روند تکمیل آن متوقف شد.

نخبگی در دل و ذهن شریفی‌هاست نه در ساختمان‌ها

در روزهای پایانی فروردین، از دل ساختمان مورد حمله، پیام‌هایی به بیرون مخابره شد تا این جنایت علیه علم و دانشگاه برای همیشه در تاریخ ثبت شود. هر چه می‌گذشت، دیوارهای شکسته و آجرهای له‌شده بیشتر همه را به روزهای پرشور آن ساختمان می‌برد؛ ساختمانی که روزی محل درس خواندن و رفت‌وآمد دانشجویان کامپیوتر بود و حالا ناجوانمرده به تلی از خاک و آهن تبدیل شده بود. اول اردیبهشت، زمان بازگشت «صبا» به چرخه‌ی فرایندهای اداری و مالی دانشگاه پس از تلاش‌های فاوا بود. در همان روز، پیام «From Ruins we rise» نیز منتشر شد؛ پیامی روشن از امید ما به آینده، از این باور که می‌توان از دل خرابه‌ها دوباره ساخت. سوم اردیبهشت، شریف میزبان سید پرویز فتاح، یکی دیگر از فارغ‌التحصیلان قدیمی‌اش و رئیس ستاد اجرایی فرمان امام بود که به محل جنایت پامی گذاشت. در میانه‌های این دیدار، فتاح جمله‌ای گفت که در ذهن‌ها خواهد ماند: «نخبگی در دل و ذهن شریفی‌هاست، نه در ساختمان‌ها.»



روایت ادامه دارد

پنجم اردیبهشت، برنامه‌ی «سپیدار» به دانشگاه آمد تا روایتی از زندگی در شریف و به‌ویژه از روزهای پس از حمله ارائه کند. هفتم اردیبهشت نیز پای معاون اول، دکتر عارف به شریف باز شد تا از میزان خسارت‌ها بازدید کند. در ادامه‌ی همین روزها، تولیدات فرهنگی در محل حادثه هم شکل گرفت و از جمله فیلمی منتشر شد که در آن رضا الیاسوند، گیتاریست، در محل حمله گیتار می‌نواخت؛ تلاشی برای ایستادن زندگی در برابر ویرانی. نهم اردیبهشت، اعضای کمیسیون آموزش عالی مجلس هم با تأخیر فراوان سرانجام به شریف آمدند و از محل جنایت بازدید کردند. معاونت فرهنگی دانشگاه نیز در آستانه‌ی یک‌ماهگی حمله، مسابقه‌ی عکاسی «این بار شریفی‌ها ثبت کنند» را با محوریت آوار فاوا برگزار کرد؛ انگار که دانشگاه می‌خواست این بار خود شریفی‌ها، راوی زخم خودشان باشند.



“

این چند خط را در شماره‌ی ۹۷۷ روزنامه می‌گذارم تا اگر روزی رهگذری خواست در میان تاریخ ۶۰ ساله‌ی شریف، خاطرات مربوط به بمباران دانشگاه را بخواند، بداند که از ۱۷ فروردین تا ۱۷ اردیبهشت بر ما و بر دانشگاه چه گذشت. بداند و ببیند حمله‌ای که برای «کمک» به مردم ایران آغاز شده بود، چگونه به سراغ شریف، سرمایه‌ی میلیون‌ها ایرانی آمد. تا بداند آن سرورها، آن فاوا و آن شریف زخمی، همه و همه بخشی از جان این سرزمین بودند؛ و با این همه، شریف آموخت و نشان داد که می‌شود از دل خرابه هم دوباره برخاست.

زیر آوار فاوا

روایت خسارت‌هایی که فراتر از تخریب یک ساختمان بود

بامداد دوشنبه، حمله‌ای که ساختمان فاوا را هدف قرار داد، تنها یک ساختمان را ویران نکرد؛ این حمله ردی عمیق بر پیکره دانشگاه بر جا گذاشت. از خسارت به تجهیزات و آسیب به ساختمان‌ها گرفته تا ضربه به خاطرات هزاران نفر و فراتر از آن، لطمه به شمار زیادی از شرکت‌های دانش‌بنیان و کسب‌وکارهایی که به خدمات این مجموعه وابسته بودند، همگی بخشی از پیامدهای این حادثه تلخ‌اند.

تجهیزاتی زیر آوار

امروز ۱ ماه از آن حادثه گذشته است. همه ما می‌دانیم که ساختمان فاوا میزبان سرورهای دانشگاه، مزرعه GPU و حجم بزرگی از تجهیزات ارتباطی بود؛ تجهیزاتی که هر یک، هم از نظر مالی و هم از نظر تخصصی، ارزشی بسیار بالا داشتند. در خود ساختمان فاوا و نیز در همسایه‌اش، ساختمان فلسفه علم، تقریباً همه چیز از کولرها، میزها

و رایانه‌ها گرفته تا هر آنچه در یک ساختمان دانشگاهی وجود دارد، در این حمله آسیب دید. در کنار این‌ها، ساختمان‌های مجاور نیز از این خسارت در امان نماندند. تجهیزات آزمایشگاهی پژوهشکده همگرا و ساختمان رازی، که هر دو دارای امکانات مهم و ارزشمند بودند، آسیب جدی دیدند. تجهیزات مسجد واقع در ضلع شرقی

فاوا نیز متحمل خسارتی شد؛ از سیستم‌های تهویه هوا و تجهیزات آشپزخانه گرفته تا امکانات اتاق صوت، تنها بخشی از آسیب‌های وارد شده بودند؛ آسیب‌هایی که به این زودی از خاطر نخواهند رفت. فراتر از دانشگاه پست گاز منطقه هم در این حمله از جمله تجهیزات آسیب دیده بود.

دیوارهای فروریخته



فاوا و همسایه‌اش، فلسفه علم، تنها قربانیان این حمله نبودند. در اطراف این دو ساختمان نیز بخش‌هایی از ضلع غربی مسجد، برخی مدرسه‌ها و همچنین ضلع جنوبی دانشکده عمران شامل دفاتر، شیشه‌ها، اتاق‌ها و حتی دانشکده برق، در فاصله‌ای دورتر نیز دچار آسیب‌هایی نسبتاً جدی شدند. ساختمان رازی و پژوهشکده همگرا نیز از این حادثه بی‌نصیب نماندند

و در نتیجه، علاوه بر تجهیزات آسیب دیده در این ساختمان‌ها خود ساختمان‌ها هم متحمل خسارت شدند. شدت این حمله به گونه‌ای بود که حتی ساختمان شهید ستاری هوافضا، با وجود فاصله قابل توجه از محل حادثه، نیز دچار خسارت شد. بخشی از شیشه‌های طبقه منتهای ۱ ساختمان ریاست آسیب دید و اتاقک حراست قدیمی نزدیک فاوا نیز به شدت تخریب شد.

حمله به پژوهش

بر هیچ‌یک از ما، به‌ویژه فارغ‌التحصیلان، استادان و دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری، پوشیده نیست که بخش قابل توجهی از ساختمان‌های آسیب دیده یا حامل اطلاعات پژوهشی مهم بودند، یا نقشی کلیدی در زنجیره پژوهش دانشگاه ایفا می‌کردند. تمام آزمایشگاه‌هایی که در این حمله آسیب دیدند، در بردارنده داده‌ها و تجهیزات پژوهشی ارزشمند بودند و در روند تحقیقات

دانشگاه نقش مهمی داشتند. از سوی دیگر، در نتیجه آسیب به فاوا، بخشی از خدمات پردازش سریع نیز مختل شد؛ خدماتی که برای بسیاری از پایان‌نامه‌ها و پروژه‌های علمی، بخشی جدایی‌ناپذیر به شمار می‌رفت. در کنار همه این‌ها، تعداد زیادی مقاله، گزارش مکتوب و کتاب که در قفسه‌های ساختمان‌های اطراف فاوا و خود این ساختمان نگهداری می‌شدند، برای همیشه زیر آوار ماندند.



در میان انبوه خبرهای جنگ و فشار سنگین آن روزها، حمله به ساختمان دانشگاه، آن هم ساختمانی که در روزهای مجازی مهم‌ترین پل ارتباطی ما با دانشگاه بود، شوکی بزرگ به همه ما وارد کرد. صبحی که بیدار شدیم تا در کلاس‌ها حاضر شویم، ناگهان فهمیدیم همه سامانه‌های دانشگاه به دلیل حمله به قلب ارتباطی دانشگاه از دسترس خارج شده‌اند و کلاس‌ها

لغو شده‌اند. در همان روزها شایعه‌ای نیز شکل گرفت مبنی بر اینکه تمام اطلاعات دانشجویان و فارغ‌التحصیلان بدون پشتیبان‌گیری از بین رفته است؛ شایعه‌ای که فشار روانی زیادی بر دانشجویان، فارغ‌التحصیلان و همه وابستگان دانشگاه وارد کرد. خوشبختانه بعدتر مشخص شد که از همه فایل‌ها نسخه پشتیبان تهیه شده بود.

که آن هم بر اثر این حمله آسیب دید. همچنین طرح «سکوی ملی هوش مصنوعی» که قرار بود دانشگاه شریف میزبان آن باشد، در پی این حادثه با اختلالی جدی مواجه شد.

مزرعه GPU شریف نیز یکی از ظرفیت‌های مهمی بود که خدمات قابل توجهی به کاربران ارائه می‌داد. در کنار این‌ها، خدمات پردازش سریع دانشگاه همکاری نزدیکی با مراکز خدماتی و بانکی داشت

فاوا تنها میزبان اطلاعات هزاران شریفی و سامانه‌های دانشگاه نبود؛ این مجموعه به حدود ۷۰۰۰ شرکت نیز خدمات می‌داد و هر یک از آن‌ها به نوعی از زیرساخت‌های فاوا استفاده می‌کردند.

شوکی دوشنبه صبح

فراتر دانشگاه

خاطرات سوخته



شاید برای دانشجویان جوان‌تر، ساختمان فاوا تنها گوشه‌ای آرام و دنج از دانشگاه باشد؛ جایی برای انجام کارهای حرفه‌ای و فنی. اما برای قدیمی‌ترها، این ساختمان چیزی بسیار فراتر از یک فضای کاری بود؛ بخشی از حافظه جمعی دانشگاه. این ساختمان، روزی دانشکده کامپیوتر بود؛ مکانی که خاطرات بسیاری در آن شکل گرفته بود و بخشی جدانشدنی از تجربه شریفی بودن به شمار می‌رفت. موزه کامپیوتر دانشگاه نیز در همین ساختمان قرار داشت و با

این حمله، همه آن‌ها یک‌باره زیر آوار رفتند. دیش ماهواره معروف دانشکده کامپیوتر قدیم، که بخشی از هویت بصری و خاطره‌انگیز این ساختمان بود، نیز از همان چیزهایی است که نبودنش در دانشگاه حس خواهد شد؛ چرا که تنها یک شیء نبود، بلکه بخشی از خاطرات جمعی ما بود. حجم پیام‌ها و یادداشت‌هایی که در روز حادثه با یادآوری این ساختمان منتشر شد، خود بهترین گواه عمق پیوند عاطفی شریفی‌ها با آن است.

دیده‌نشده‌ها

این‌ها تنها بخشی از خسارت‌های وارد شده به شریف بودند؛ خسارت‌هایی که هنوز هم ابعاد بسیاری از آن برای ما روشن نشده و دانشگاه همچنان در حال بررسی و برآورد دقیق آن‌هاست. برآورد‌های اولیه از رقمی در حد چند همت حکایت دارد، اما این عدد هنوز نهایی نشده و با ادامه ارزیابی‌ها ممکن است ابعاد کامل‌تری از این آسیب‌ها آشکار شود. در شماره‌های بعدی روزنامه دقیق‌تر، کامل‌تر و با جزئیات بیشتر به ابعاد مختلف خسارت‌های این حمله خواهیم پرداخت.

است، به معنای دشوارتر شدن مسیر پروژه‌ها و ادامه فعالیت سامانه‌ها با توان کمتر است. از سوی دیگر، ارتباط فاوا و خدمات پردازش سریع با شرکت‌های دانش‌بنیان، مجموعه‌های خارج از دانشگاه و حتی نهاد‌های خدماتی و بانکی، ابعاد این خسارت را گسترده‌تر می‌کند. برآورد شده است که هزینه ناشی از نبود فاوا، روزانه حدود ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان باشد؛ خسارتی که اکنون، پس از گذشت نزدیک به پنج هفته، هر روز بیشتر و سنگین‌تر می‌شود.

اما شاید یکی از مهم‌ترین ابعاد این حادثه، بخشی باشد که کمتر در برآورد خسارت‌ها دیده می‌شود. آسیب‌های بلندمدتی که تخریب فاوا می‌تواند به دانشگاه وارد کند. در نگاه اول، شاید خسارت تنها در سرورها، GPUها، تجهیزات آسیب دیده و دیوارهای فروریخته خلاصه شود؛ اما اگر عمیق‌تر نگاه کنیم، می‌بینیم که هر روز نبود فاوا و خدمات آن، ضربه‌ای تازه به دانشگاه و مجموعه شرکت‌هایی است که به آن وابسته بوده‌اند. هر روزی که فاوا از چرخه کامل خدمات خارج

قهرمانان خاموش روزهای بحران

چکیده گفت‌وگو با مهندس علی محمدی، معاون اداره خدمات و پشتیبانی، درباره اقدامات این اداره پس از حمله به شریف

سیستم‌های سرمایشی نیز از محدوده خارج شدند. با این حال، حدود ساعت دو بعد از ظهر هشدار قرمز اعلام شد و دستور تخلیه اجباری دانشگاه صادر شد؛ بنابراین عملیات روز دوم زودتر از برنامه متوقف شد. در روز سوم، تمرکز اصلی بر انتقال، پاک‌سازی و دسته‌بندی تجهیزات بود. تجهیزاتی که از زیر آوار بیرون کشیده شده بودند، نیروهای مرکز فناوری اطلاعات آن‌ها را با ابزارهای موجود تمیز کردند تا گردوغبار، خاک و آثار انفجار از روی دستگاه‌ها پاک شود. تابلوهای برق و UPSهایی که خارج شده بودند، موقتاً در اتاقی امن در مسجد قرار گرفتند تا بعداً بررسی، سرویس یا در صورت امکان دوباره راه‌اندازی شوند.

عملیات نجات

تا پایان روز سوم، حدود ۹۰ درصد تجهیزات از محل حمله خارج شد. البته عملیات فقط در ساعات اداری انجام نمی‌شد؛ نیروهای پشتیبانی و خدمات به همراه تیم فناوری اطلاعات در شب‌های اول و سوم تا نیمه‌شب، گاه تا امداد و حتی تا صبح کار می‌کردند. در همین روزها، سقف بخش همکف با داربست‌های بیشتر ایمن شد تا در روز چهارم امکان دسترسی به بخش‌های عمیق‌تر و تجهیزات باقی‌مانده فراهم شود. تجهیزات اسقاطی، میز و صندلی‌های تخریب‌شده و بقایای غیر قابل استفاده نیز با تأیید مسئولان مرکز به محوطه دیگری منتقل شد.

در کنار عملیات مرکز داده، پاک‌سازی ساختمان‌های دیگر نیز ادامه داشت. فضاهای عمومی دانشکده برق نظافت شد. درباره دانشکده عمران، به دلیل عدم دسترسی به اتاق‌ها پاک‌سازی کامل به روزهای بعد موکول شد. بقایای تجهیزات شبکه‌ای به نقطه دیگری منتقل شدند در مسجد نیز گروهی جهادی به کمک آمدند و فرش‌ها و موکت‌ها را به حیاط منتقل کردند، جارو زدند و تمیز کردند تا در صورت امکان دوباره استفاده شوند. پشت‌بام مسجد نیز توسط تیم خدمات پشتیبانی نظافت و ایمن‌سازی شد.

در روزهای چهارم و پنجم، عملیات نجات تجهیزات وارد مرحله نهایی شد تا اقلام به صورت کامل برای بررسی، از محل حمله خارج شوند. داربست‌هایی جابه‌جا و جلوتر برده شدند تا دسترسی به بخش‌هایی از دیتاسنتر که کاملاً زیر آوار مانده بود ممکن شود. در این مرحله، همه تجهیزاتی که پیش از حادثه در حال استفاده بودند، از مرکز خارج شد.

یکی از اقدامات مهم در روزهای چهارم و پنجم، راه‌اندازی مرکز داده موقت که با کمک نیروهای فنی انجام شد. کولر گازی مرکز موقت نیز نصب و فعال شد تا شرایط لازم برای روشن کردن تجهیزات فراهم شود. به تدریج بخشی از سامانه‌های دانشگاه با هدایت مسئولان فنی مرکز محاسبات و همکاری نیروهای

پشتیبانی دوباره روشن شد. آنچه در روزهای پس از حمله در شریف رخ داد، تنها عملیات آواربرداری یا تعمیر تجهیزات نبود؛ بلکه تلاشی جمعی برای زنده نگه داشتن دانشگاه بود. نیروهای پشتیبانی، خدمات، تأسیسات، فضای سبز، حراست، مرکز فوآه، مرکز محاسبات، آموزش‌های آزاد و مدیران دانشگاه هر یک بخشی از مسئولیت را بر عهده گرفتند. نتیجه این تلاش، جلوگیری از توقف فعالیت‌های دانشگاه بود؛ تلاشی که نشان داد حتی در سخت‌ترین شرایط نیز می‌توان با برنامه‌ریزی، همدلی و کار شبانه‌روزی، دانشگاه را سرپا نگه داشت.



مرکز تنها پس از نصب داربست و ایجاد مسیر ایمن امکان پذیر بود. با هماهنگی مسئولان پشتیبانی، داربست‌هایی در بخش شمالی نصب شد تا نیروها بتوانند به بخشی از تجهیزات که در وضعیت نامشخصی از نظر سالم یا خراب قرار داشتند دسترسی پیدا کرده و به مکان دیگری منتقل کنند.

روز دوم، عملیات با نیروی بیشتری ادامه پیدا کرد. تعداد زیادی از نیروهای خدمات، تأسیسات و فضای سبز در دانشگاه حضور داشتند و از ساعت ۷ صبح کار را آغاز کردند. در این روز، حصارهای روز قبل تکمیل شد و مسیرهای منتهی به مرکز داده از سمت نقلیه، ساختمان مالی اداری و خیابان‌های داخلی بسته شد تا رفت‌وآمد تنها برای نیروهای امدادی و مسئولان مجاز باشد. شیشه‌خردهای معابر جمع‌آوری شد و بخشی از محوطه برای حضور خبرنگاران آماده شد؛ زیرا قرار بود نشست خبری برگزار شود و نزدیک به صد خبرنگار در دانشگاه حضور پیدا کنند.

در همین روز، با توجه به اینکه ایمن‌سازی بیشتری انجام شده بود، نیروها توانستند تجهیزات بیشتری را از مرکز داده خارج کنند. با همکاری نیروهای مرکز محاسبات، مرکز فناوری اطلاعات و پشتیبانی، بخش دیگر از تجهیزات خارج شد. گروهی نیز مسئول خارج کردن تابلوهای برق، باتری‌ها، UPSها و تجهیزات سرمایشی شد. بقایای کولرهای گازی، یونیت‌ها و

نیروهای امدادی و مسئولان فراهم شود. مسیرهای منتهی به مرکز محاسبات نیز با کمک حراست و با نصب داربست، حصار و نوارهای هشداردهنده مسدود شد تا تنها افراد مجاز امکان حضور در محدوده حادثه را داشته باشند.

مسیرهایی که باید دوباره امن می‌شدند

در همان ساعات اولیه، شهرداری نیز وارد عملیات شد. با اعزام بیل مکانیکی، بابتک و کامیون، آوارهای ریخته‌شده در خیابان آزادی و بخشی از معابر داخلی دانشگاه جمع‌آوری شد. بازگشایی خیابان آزادی و انتقال آوارها تا ساعات صبح ادامه داشت. بخشی از نخاله‌ها که قابل استفاده نبودند از محل خارج شدند، اما تجهیزاتی که احتمال ارزشمندی یا امکان بازیابی داشتند به داخل دانشگاه منتقل شدند. تا حدود ساعت ۱۰ صبح، حصار بیرونی محدوده تکمیل شد و بخشی از خیابان‌های داخلی دانشگاه از جمله مسیرهای اطراف مرکز محاسبات، دانشکده برق، دانشکده فیزیک، ساختمان رازی، ساختمان مالی اداری و مسیرهای منتهی به دانشکده هوافضا پاک‌سازی شدند.

در روز نخست، علاوه بر عملیات ایمنی و پاک‌سازی، نجات تجهیزات مرکز داده نیز آغاز شد. با توجه به نایمن بودن ساختمان، ورود به بخش‌هایی از

ثانیه‌هایی پس از حمله دشمن، نیروهای شیفت تأسیسات با مسئولان پشتیبانی تماس گرفتند و اطلاع دادند که انفجاری در مرکز محاسبات رخ داده و صدای شدید خروج گاز شنیده می‌شود. این تماس، نقطه آغاز واکنش اضطراری دانشگاه بود. بلافاصله با سامانه ۱۹۴ امداد گاز تماس گرفته شد و هم‌زمان مدیران پشتیبانی و مسئولان فنی مرکز محاسبات نیز در جریان قرار گرفتند. زمانی که مسئولان به محدوده دانشگاه رسیدند، نیروهای امدادی مسیرهای اطراف را بسته بودند. از همان لحظه ورود به دانشگاه، صدای شدید گاز نشان می‌داد که خطر هنوز کاملاً برطرف نشده است و هرگونه بی‌احتیاطی می‌تواند حادثه‌ای بزرگ‌تر رقم بزند.

نیروهای اداره گاز در مدت کوتاهی در محل حاضر شدند و گاز محدوده را قطع کردند. این اقدام از مهم‌ترین مراحل کنترل بحران بود، زیرا در صورت ادامه نشت گاز، احتمال انفجار ثانویه یا آتش‌سوزی گسترده وجود داشت. البته پیش از این حادثه نیز دانشگاه در قالب کمیته پدافند غیرعامل و کمیته مدیریت بحران، برخی پیش‌بینی‌های لازم را انجام داده بود. در جلساتی که با حضور مسئولان پشتیبانی، مشاوران ریاست دانشگاه و مدیران مربوطه برگزار شده بود، احتمال بروز چنین شرایطی بررسی شده و بر همین اساس، گاز دانشگاه با هماهنگی اداره گاز تخلیه و بخش‌های حساس ایمن‌سازی شده بود. همین آمادگی قبلی موجب شد پس از انفجار، حادثه به آتش‌سوزی وسیع یا انفجار دوم منجر نشود.

ثانیه‌های نخست؛ مهار خطر پیش از فاجعه

پس از قطع گاز، نیروهای پشتیبانی، خدمات، تأسیسات، فضای سبز و حراست وارد مرحله آواربرداری و بررسی اولیه شدند. نخستین نگرانی این بود که شاید فردی در محل حادثه حضور داشته یا زیر آوار مانده باشد. با حضور نیروهای حراست، محدوده به سرعت بررسی شد و خوشبختانه مشخص شد که کسی در محل نبوده و حادثه تلفات جانی نداشته است. پس از اطمینان از این موضوع، تمرکز اصلی بر ایمن‌سازی محدوده و جلوگیری از ورود افراد غیرمسئول قرار گرفت.

برق مرکز محاسبات، ساختمان رازی، مسجد و بخش‌هایی از محدوده اطراف قطع شد تا خطر برق‌گرفتگی یا آتش‌سوزی کاهش یابد. بخشی از مسجد، به‌ویژه ضلع غربی آن، آسیب دیده بود و قسمت‌هایی از سقف و دیوارها نیاز به بررسی و ایمن‌سازی داشت. درختان و محوطه اطراف مسجد نیز آسیب دیده بودند و نیروهای خدمات و فضای سبز کار تخلیه، پاک‌سازی و ایمن‌سازی آن بخش را انجام دادند. در سمت غربی مرکز داده نیز آوار روی دیزل ژنراتورها و تجهیزات جانبی ریخته بود و یکی از مخازن گازوئیل آسیب دیده بود. این بخش با دقت ایمن شد تا خطر حریق ایجاد نشود.

هم‌زمان، ساختمان‌های اطراف نیز مورد بررسی قرار گرفتند. موج انفجار باعث شکستن شیشه‌ها و آسیب دیدن پنجره‌های دانشکده برق، دانشکده عمران، ساختمان رازی و ساختمان مالی اداری شده بود. نیروهای خدمات و پشتیبانی، پنجره‌هایی را که احتمال سقوط داشتند باز کردند، پایین آوردند یا تثبیت کردند. شیشه‌های شکسته و نخاله‌های ریخته‌شده در معابر جمع‌آوری شد تا امکان تردد ایمن



بازگشت از زیر آوار

روایت تلاش شبانه‌روزی برای بازگرداندن سامانه‌های دانشگاه

از زبان دکتر علیرضا زارعی، رئیس مرکز فناوری اطلاعات و دکتر سمیه کوهی، رئیس مرکز آموزش‌های تخصصی و الکترونیکی



حمله به مرکز فناوری اطلاعات و ارتباطات در ۱۷ فروردین، مستقیماً بر ساخت دیجیتال دانشگاه اهداف قرار داد؛ زیرساختی که بسیاری از خدمات آموزشی، اداری، پژوهشی و ارتباطی دانشگاه به آن وابسته بود. از همین رو، پیامد حادثه تنها به از کار افتادن چند سامانه یا آسیب دیدن تعدادی تجهیز محدود نشد، بلکه هم‌زمان چند حوزه اصلی فعالیت دانشگاه را تحت تأثیر قرار داد؛ از کلاس‌های مجازی و سامانه‌های آموزشی گرفته تا ایمیل، وبسایت دانشگاه، خدمات اداری و سرویس‌هایی که برای برخی شرکت‌ها و مجموعه‌های بیرونی میزبانی می‌شد.

اهمیت این حادثه فقط در حجم خسارت یا اختلال اولیه نبود، بلکه در این بود که حمله به نقطه‌ای انجام شد که بسیاری از فعالیت‌های روزمره دانشگاه به آن وابسته بودند. در دانشگاهی مانند شریف، که بخش مهمی از آموزش، اطلاع‌رسانی، ارتباطات سازمانی و خدمات پشتیبانی بر بستر فناوری اطلاعات انجام می‌شود، از کار افتادن مرکز فاوا می‌توانست خیلی سریع به توقف گسترده فعالیت‌ها منجر شود. بنابراین مسئله اصلی پس از حادثه این نبود که فقط چند سرور یا سامانه از مدار خارج شده‌اند؛ مسئله این بود که چگونه باید از سرایت بحران به کل فرایند آموزش و اداره دانشگاه جلوگیری کرد.

سربه به قلب تپنده دانشگاه

با وجود شدت حادثه، واکنش دانشگاه از همان ساعات نخست، واکنشی فعال و سازمان‌یافته بود. پس از حمله، جلساتی با حضور مسئولان مرکز فناوری اطلاعات و سایر واحدهای مرتبط تشکیل شد تا وضعیت موجود ارزیابی و کارها اولویت‌بندی شود. نخستین پرسش‌ها کاملاً عملیاتی و حیاتی بودند. کدام تجهیزات سالم مانده‌اند؟ چه داده‌هایی قابل بازیابی است؟ کدام سرورها آسیب کمتری دیده‌اند؟ کدام سرویس‌ها باید زودتر به مدار بازگردند؟ مهم‌تر از همه، چگونه می‌توان مانع توقف طولانی مدت آموزش شد؟

در چنین شرایطی، اولویت نخست دانشگاه حفظ جریان آموزش بود. از آنجا که کلاس‌های مجازی و سامانه‌های آموزشی نقش مهمی در تداوم نیم‌سال تحصیلی داشتند، توقف طولانی آن‌ها می‌توانست نظم آموزشی دانشگاه را به‌طور جدی مختل کند. در همین نقطه، مرکز آموزش‌های الکترونیکی دانشگاه وارد عمل شدند.

این مرکز، که تجربه و ارتباط عملیاتی در حوزه برگزاری آموزش‌های برخط و مدیریت سامانه‌های آموزش را داشت، راه‌حلی سریع برای اسرگیری کلاس‌های مجازی پیدا کرد. به این ترتیب که بیش از هزار کلاس مجازی دانشگاه و ۱۱ هزار حساب کاربری برای اساتید و دانشجویان در کمتر از ۲۴ ساعت در بستر شرکت پیمانکار (اسکای روم) تعریف و راه‌اندازی شد؛ به گونه‌ای که در عمل، فقط یک روز کلاس‌های دانشگاه تعطیل بود.

نجات آموزش از دل آوار

این بازگشت سریع کلاس‌ها، یکی از مهم‌ترین نقاط قوت مدیریت بحران بود. در شرایطی که بخشی از زیرساخت‌های اصلی آسیب دیده بود و هنوز وضعیت بسیاری از تجهیزات روشن نبود، راه‌اندازی کلاس‌های مجازی در کمتر از یک روز، پیام روشنی برای جامعه دانشگاهی داشت. آموزش متوقف نخواهد شد. این اقدام،

حادثه نیز توجه کرد. بخشی از تجهیزات، سرورها و حتی موزه کامپیوتر مرکز داده به شدت آسیب دیدند و برخی از آن‌ها کاملاً از بین رفتند. این بخش از ماجرا نشان می‌دهد که حادثه فقط یک اختلال نرم‌افزاری یا قطعی موقت سرویس نبود، بلکه با تخریب واقعی زیرساخت‌های فیزیکی همراه بود. با این حال، تلاش هماهنگ نیروهای دانشگاه باعث شد بخش قابل توجهی از تجهیزات قابل بازیابی از زیر آوار خارج شود. این کار، هم نیازمند نیروی فنی بود و هم همراهی نیروهای خدماتی و اجرایی؛ زیرا پیش از هر بازیابی نرم‌افزاری، باید تجهیزات شناسایی، جابه‌جا، پاک‌سازی، تست و دسته‌بندی می‌شدند.

از منظر مدیریتی، این حادثه چند درس مهم داشت. نخست اینکه آمادگی قبلی در بحران‌های فناورانه حیاتی است. اگر نسخه‌های پشتیبان، شناخت دقیق از سامانه‌های مهم و تجربه مواجهه با اختلال‌های قبلی وجود نداشت، بازگشت سریع خدمات ممکن نبود. دوم اینکه هماهنگی میان واحدهای مختلف دانشگاه نقش کلیدی دارد. مرکز فاوا به تنهایی نمی‌توانست همه ابعاد بحران را مدیریت کند. ورود مرکز آموزش‌های آزاد برای حفظ آموزش، همراهی نیروهای خدماتی برای بازیابی تجهیزات، همکاری مدیران دانشگاه برای اولویت‌بندی و ارتباط با شرکت‌های بیرونی، همگی بخشی از زنجیره مدیریت بحران بودند.

درس سوم، اهمیت سرمایه انسانی است. در چنین حوادثی، تجهیزات و سامانه‌ها فقط بخشی از ماجرا هستند. آنچه امکان احیای آنها را فراهم می‌کند، حضور نیروهایی است که سامانه‌ها را می‌شناسند، تجربه فنی دارند، در لحظه بحران در دسترس‌اند و می‌توانند با فشار کاری بالا کنار بیایند. تلاش شبانه‌روزی نیروهای مرکز فناوری اطلاعات نشان داد که تاب‌آوری یک دانشگاه فقط در مراکز داده، سرورها یا تجهیزات ذخیره‌سازی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه در دانش و تعهد افرادی نهفته است که در شرایط بحرانی مسئولیت بازگرداندن دانشگاه به مدار عادی را بر عهده می‌گیرند.

در نهایت، حمله به مرکز فاوا دانشگاه شریف را می‌توان آزمونی جدی برای تاب‌آوری دانشگاه دانست. این حادثه می‌توانست به توقف گسترده آموزش، اختلال طولانی در ارتباطات، آسیب جدی به خدمات اداری و نگرانی وسیع در میان شرکت‌های وابسته منجر شود. اما آنچه در عمل رخ داد، نشان‌دهنده ظرفیت دانشگاه برای مدیریت بحران بود. کلاس‌های مجازی در کمتر از ۲۴ ساعت اسر گرفته شد، سرویس‌های اصلی در کمتر از چند روز به تدریج بازگشتند، وضعیت تجهیزات شرکت‌های مستقر در مرکز داده پیگیری شد و نیروهای فنی، خدماتی و مدیریتی دانشگاه با همکاری فشرده، مسیر بازسازی را پیش بردند.

این تجربه نشان داد که در دنیای امروز، دانشگاه‌ها برای ادامه حیات علمی و آموزشی خود به زیرساخت‌های دیجیتال وابستگی عمیقی دارند؛ اما در عین حال، اگر آمادگی قبلی، نسخه‌های پشتیبان، تصمیم‌گیری سریع، همکاری میان واحدها و نیروی انسانی متخصص وجود داشته باشد، حتی از بحران‌های بزرگ نیز می‌توان عبور کرد. حمله به مرکز فاوا، ضربه‌ای جدی بود، اما پاسخ دانشگاه نشان داد که زیرساخت واقعی یک نهاد فقط تجهیزات و سرورها نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از تجربه، هماهنگی، اعتماد، دانش فنی و مسئولیت‌پذیری است که در لحظه بحران خود را نشان می‌دهد.

به گونه‌ای راه‌اندازی می‌شدند که خطر اختلال دوباره یا از دست رفتن اطلاعات به حداقل برسد. یکی از مهم‌ترین نکات در این حادثه، حفظ بخش عمده داده‌ها بود. در بحران‌های زیرساختی، گاهی از بین رفتن تجهیزات قابل جبران است، اما نابودی داده‌ها می‌تواند خسارتی بسیار عمیق‌تر و گاه غیرقابل جبران ایجاد کند. در این حادثه، اگر چه بخشی از تجهیزات سخت‌افزاری، سرورها و زیرساخت‌های فیزیکی آسیب دیدند، اما به دلیل وجود نسخه‌های پشتیبان و برخی آمادگی‌های قبلی، داده‌های اصلی تا حد زیادی حفظ شدند. همین موضوع باعث شد فرایند بازیابی از نقطه صفر آغاز نشود و امکان بازگرداندن خدمات در زمان کوتاه‌تری فراهم شود.

قلبی که نباید از تپش بیفتد

مرکز داده شریف فقط میزبان سامانه‌های داخلی دانشگاه نبود. این مرکز در سال‌های گذشته، به‌عنوان یک زیرساخت پیشرفته و قابل اتکا، میزبان تجهیزات شماری از شرکت‌های دانش‌بنیان، فناور و مجموعه‌های بیرون از دانشگاه نیز بود. حدود ۴۰ شرکت، بخشی از سرورها و تجهیزات خود را در این مرکز مستقر کرده بودند. به همین دلیل، حادثه فقط یک بحران داخلی برای دانشگاه محسوب نمی‌شد؛ بلکه بخشی از زیست‌بوم فناوری و کسب‌وکارهای وابسته به این مرکز را نیز درگیر می‌کرد. برای برخی از این شرکت‌ها، سرورها و تجهیزات مستقر در مرکز داده، سرمایه اصلی فعالیتشان بود.

به همین دلیل، یکی از نگرانی‌های جدی مسئولان مرکز پس از حادثه، وضعیت تجهیزات این شرکت‌ها بود. لازم بود فرآیند خروج، بررسی، تست و تعیین تکلیف تجهیزات با دقت و شفافیت انجام شود. برای اطلاع‌رسانی منظم به شرکت‌ها، کانالی ایجاد شد و نمایندگان آن‌ها در جریان روند کار قرار گرفتند. این اقدام از دو جهت اهمیت داشت: نخست اینکه مانع از سردرگمی و نگرانی بیشتر شرکت‌ها می‌شد، دوم اینکه نشان می‌داد دانشگاه در کنار بازگرداندن سرویس‌های داخلی، مسئولیت خود نسبت به مجموعه‌هایی را که به زیرساخت آن اعتماد کرده بودند نیز جدی گرفته است.

در کنار این موضوع، باید به خسارت‌های فیزیکی

علاوه بر جنبه فنی، از نظر روانی و مدیریتی نیز اهمیت زیادی داشت. وقتی دانشجویان و اساتید مشاهده کردند که با وجود شدت حادثه، کلاس‌ها به سرعت از سر گرفته می‌شوند، اعتماد به توان دانشگاه در مدیریت بحران افزایش یافت و از شکل‌گیری احساس سردرگمی و بی‌ثباتی جلوگیری شد.

البته روشن بود که استفاده از بستر جایگزین، راه‌حلی موقت است و نمی‌تواند جای همه امکانات زیرساخت اصلی دانشگاه را بگیرد. اما در مدیریت بحران، همیشه نخستین هدف بازگشت کامل و بی‌نقص همه خدمات نیست؛ بلکه جلوگیری از توقف عملکردهای حیاتی است. در این مورد، عملکرد حیاتی دانشگاه همان آموزش بود. بنابراین تصمیم برای استفاده از ظرفیت شرکت پیمانکار، تصمیمی واقع‌بینانه و فوری بود که اجازه داد دانشگاه از مرحله شوک اولیه عبور کند و در عین حال، فرصت لازم برای بازسازی تدریجی زیرساخت‌های اصلی فراهم شود.

پس از تثبیت نسبی آموزش، فرایند احیای سایر سرویس‌های اصلی آغاز شد. نیروهای مرکز فناوری اطلاعات با استفاده از سرورهای موجود، تجهیزات اهدایی، تجهیزات بازیابی‌شده از محل حادثه و نسخه‌های پشتیبان، تلاش کردند سامانه‌های ضروری دانشگاه را یکی یکی به مدار بازگردانند. در کمتر از سه روز، سایت دانشگاه، ایمیل دانشگاه، سامانه «شریف من» و بخشی دیگر از خدمات اصلی دوباره در دسترس قرار گرفتند. این روند نشان داد که دانشگاه فقط به یک اقدام فوری برای برگزاری کلاس‌ها بسنده نکرده، بلکه برنامه بازیابی را به‌صورت مرحله‌ای دنبال کرده است؛ ابتدا آموزش، سپس ارتباطات عمومی و سازمانی، و بعد سایر سرویس‌های پشتیبان.

نقش نیروهای انسانی در این مرحله بسیار تعیین‌کننده بود. همکاران مرکز فناوری اطلاعات و معاونت آموزشی روزها و شب‌ها، گاه تا نیمه‌شب، مشغول تست سرورها، بررسی قطعات، بازیابی داده‌ها، راه‌اندازی سامانه‌ها و اطمینان از پایداری سرویس‌ها بودند. در چنین وضعیتی، کار فنی فقط به معنای دانش نرم‌افزاری یا سخت‌افزاری نبود؛ بلکه به صبر، دقت، هماهنگی، تصمیم‌گیری سریع و تحمل فشار شدید نیاز داشت. هر سرور باید بررسی می‌شد، هر قطعه باید تست می‌شد، داده‌ها باید با احتیاط بازیابی می‌شدند و سامانه‌ها باید

روایت شریف

گزیده‌ای از گفت‌وگو با دکتر محمد فخارزاده درباره تلاش‌های دانشگاه برای ثبت و مستندسازی حمله به شریف

و تأمل برانگیز برای مخاطب بسازند. این آثار می‌توانند در قالب آثار تجسمی، یادمان حادثه و چیدمان فضا با یادگاری‌های نمادین شکل بگیرند.

موضوع مهم دیگر، نقش خود دانشجویان در روایت این حادثه است. دانشگاه پیش از هر چیز محل زیست دانشجویانست و هر رخدادی که در آن اتفاق می‌افتد، باید از زاویه نگاه دانشجویان در دیدن، فکر کردن، همین، مهم است که دانشجویان در دیدن، فکر کردن، روایت کردن و حتی خلق آثار فرهنگی دست اول از این حادثه نقش داشته باشند تا بخش مهمی از حافظه زنده دانشگاه ثبت شود.

بر همین اساس، طرح «روایت شریف» فقط یک پروژه ثبت و آرشیو نیست. این طرح می‌تواند به بستری برای شکل‌گیری فعالیت‌های مختلف فرهنگی و هنری تبدیل شود؛ از نمایشگاه عکس و مستند گرفته تا نشست‌های روایت، پروژه‌های دانشجویی، تولید آثار هنری و برنامه‌هایی که به تاریخ دانشگاه و تجربه این حادثه می‌پردازند. هر چه این روند مشارکتی تر و چندلایه‌تر پیش برود، ماندگاری آن هم بیشتر خواهد شد.

در کنار همه اینها، یک نکته برای معاونت فرهنگی روشن است: روایت شریف، با عجله شکل نمی‌گیرد. بعضی تجربه‌ها نیاز به زمان دارند تا به تکامل برسند. باید فرصت کافی برای برنامه‌ریزی وجود داشته باشد، تا ایده‌ها پخته شوند و بعد درباره شکل نهایی حفظ و بازنمایی آن تصمیم گرفته شود. برای ما مهم نیست که خیلی سریع به یک نتیجه ظاهری برسیم؛ مهم این است که آنچه باقی می‌ماند، تأثیرگذاری، زیبایی و ماندگاری داشته باشد.

آنچه در معاونت فرهنگی دنبال می‌شود، حفظ و صورت‌بندی حافظه فرهنگی این رخداد است. شریف باید بتواند تجربه خود را نه فقط در قالب یک خاطره پراکنده، بلکه در قالب روایتی مستند، قابل فهم و ماندگار به آینده منتقل کند. این کار هم ادای دینی است به آنچه بر دانشگاه گذشته و هم تلاشی برای اینکه نسل‌های بعد بدانند شریف چگونه با یک حادثه دشوار روبه‌رو شد، چگونه آن را فهمید و چگونه کوشید از دل آن، تاریخ و روایت بسازد.

از فضای آسیب‌دیده در آینده به شکل عادی بازسازی نشود، بلکه به یک فضای فرهنگی و روایتی ماندگار تبدیل شود.

در همین زمینه، ایده‌هایی مثل شکل‌گیری یک پلازای فرهنگی، یک فضای روایت‌محور و حتی موزه‌ای کوچک و دانشگاهی در حال بررسی است. منظور از این موزه، صرفاً نمایش چند شیء یا تصویر نیست؛ بلکه فضایی است که بتواند هم این حادثه را روایت کند، هم بخشی از حافظه دانشگاه را نگه دارد و هم برای دانشجویان، استادان، فارغ‌التحصیلان و بازدیدکنندگان، امکان مواجهه دقیق‌تر و عمیق‌تر با این اتفاق را فراهم کند. برای ما مهم است که اگر چنین فضایی شکل می‌گیرد، فقط ویرانی را نشان ندهد، بلکه لایه‌های عمیق‌تری از هویت شریف را هم بازتاب دهد؛ از تجربه جمعی دانشگاهیان تا پیوند این حادثه با تاریخ و حافظه دانشگاه.

از همین رو، در نگاه فرهنگی‌ای که شکل گرفته، موضوع فقط روایت یک حادثه نیست؛ بلکه قرار است این روایت در امتداد هویت علمی، فرهنگی و تاریخی شریف قرار بگیرد. شریف فقط محل وقوع یک اتفاق نیست؛ خودش یک روایت بزرگ‌تر است. بنابراین اگر قرار است فضای فرهنگی یا موزه‌ای در پی این حادثه شکل بگیرد، باید هم به خود حادثه بپردازد و هم آن را در بستر هویت و تاریخ دانشگاه معنا کند.

هنر و دانشجو؛ حافظه‌ای که زنده می‌ماند

در این مسیر، از همان ابتدا تلاش شد از ظرفیت هنر و هنرمندان هم استفاده شود. یکی از کارهایی که انجام شده، گفت‌وگو با استادان برجسته از دانشگاه هنر و دانشکده‌های معماری و آگاهی از نگاه آنها برای نگهداری و روایت این فضا بوده است. این همراهی اهمیت زیادی دارد، چون هنرمندان کمک می‌کنند تا این تجربه را به زبانی ماندگارتر و گیراتر ترجمه کنیم. مهم این است که حادثه فقط در سطح خبر، گزارش یا چند عکس باقی نماند، بلکه در زبان هنر هم بازتاب پیدا کند و ماندگارتر شود.

از همین زاویه، یکی از موضوعاتی که به آن فکر می‌شود، استفاده هنری از بقایای حادثه است. این بقایا می‌توانند در آینده به مواد اولیه خلق آثار هنری تبدیل شوند؛ آثاری که هم یادآور این اتفاق باشند و هم تجربه‌ای تازه

دقیق و قابل استناد از این رخداد داشته باشد؛ آرشیوی که هم برای پژوهش به کار بیاید و هم برای کارهای فرهنگی، هنری و تاریخی که حتی شامل ضایعات حادثه هم می‌شود.

بخش مهم دیگر، تاریخ شفاهی این حادثه است. تجربه نشان می‌دهد که بخش مهمی از حافظه دانشگاهی فقط در عکس و سند شکل نمی‌گیرد، بلکه در روایت آدم‌ها زنده می‌ماند. به همین دلیل، ثبت روایت‌های شفاهی مرتبط با این اتفاق یکی از محورهای اصلی کار است. آنچه امروز در قالب گفت‌وگو، خاطره و تجربه

زیسته ثبت می‌شود، در آینده می‌تواند تصویر کامل‌تر و انسانی‌تری از این حادثه به نسل‌های بعد بدهد. اگر این روایت‌ها امروز جمع‌آوری نشود، بخشی از واقعیت ماجرا به مرور از دست خواهد رفت.

در کنار ثبت و مستندسازی، موضوع مهم دیگر حفظ آثار به‌جامانده از حادثه به‌عنوان بخشی از حافظه فرهنگی دانشگاه است. این بقایا از نگاه شریفی‌ها فقط تکه‌هایی از مصالح تخریب‌شده یا ضایعات نیستند. هر کدام از اینها می‌توانند حامل معنا باشند و بعدها به بخشی از یک روایت ماندگار تبدیل شوند. حتی بعضی جزئیات به ظاهر ساده، ارزش نمادین بالایی دارند. برای مثال، اگر در میان آوار ساعتی پیدا شود که همان لحظه حادثه از کار افتاده باشد، این فقط یک وسیله آسیب‌دیده نیست؛ بخشی از زمان متوقف‌شده حادثه است، نشانه‌ای از همان لحظه و سندی زنده از آنچه رخ داده است. چنین چیزهایی از نظر فرهنگی و روایتی اهمیت زیادی دارند و نباید به چشم اشیای بی‌ارزش یا ضایعات به آنها نگاه کرد.

در مسیر روایت ماندگار

به همین دلیل، تأکید بر این بوده که در مواجهه با فضای حادثه‌دیده، شتاب‌زده عمل نشود و امکان تأمل، مشاهده و طراحی فرهنگی درباره آن وجود داشته باشد. این نگاه، به تدریج ما را به سمت ایده‌های بلندمدت‌تر هم برد. یکی از مهم‌ترین افق‌هایی که در معاونت فرهنگی دنبال می‌شود، این است که بخشی

پس از حمله دشمن در بامداد ۱۷ فروردین به شریف، از نگاه معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه، مسئله فقط بازسازی یا نگهداری یک فضای آسیب‌دیده نبود. از همان ابتدا این سؤال جدی مطرح بود که دانشگاه چگونه باید این اتفاق را تحلیل کند، ثبت کند و در حافظه خود نگه دارد؟ هر حادثه‌ای در مرحله اول ابعاد اجرایی، فنی و پشتیبانی دارد، اما از منظر فرهنگی، مسئله اصلی این است که نهاد علم و فناوری، چه روایتی را بر می‌گزیند و چگونه آن را به خاطر می‌سپارد تا ابعاد انسانی، تاریخی و هویتی آن به مرور زمان کمرنگ یا فراموش شود.

از همین رو، معاونت فرهنگی از همان روزهای نخست تلاش کرد نگاهش را از سطح خسارت مادی فراتر ببرد. برای خانواده شریف مهم بود که این اتفاق فقط به چند تصویر از خرابی، چند خبر کوتاه و چند واکنش مقطعی محدود نشود. شریف دانشگاهی است که حافظه و هویت دارد و هر اتفاق مهمی که در آن رخ می‌دهد، اگر درست دیده و ثبت نشود، ممکن است بخشی از حافظه تاریخی آن هم از بین برود. به همین دلیل، یکی از اولین دغدغه‌ها این بود که آثار این حادثه با دقت و حوصله حفظ شود و در همان روزهای اول بی‌تأمل از میان نرود. در زمان جنگ ۸ ساله هم به دانشگاه حمله شد اما در شتاب بازسازی چیزی از آن برای نسل آینده باقی نماند.

در همین چارچوب، ایده‌های شکل گرفت که این حادثه فقط به‌عنوان یک واقعه تلخ دیده نشود، بلکه به‌عنوان موضوعی برای ثبت، مطالعه و بازخوانی فرهنگی هم در نظر گرفته شود. نتیجه این نگاه، طرحی با عنوان «روایت شریف» بود؛ طرحی برای اینکه دانشگاه بتواند روایت خودش را از این اتفاق ثبت و حفظ کند. منظور از این روایت فقط شرح یک حادثه یا گزارش یک تخریب نیست. هدف این است که تجربه دانشگاهیان، حال و هوای فضا، احساس جمعی، واکنش فرهنگی و معنای این حادثه برای شریف در قالبی ماندگار ثبت شود.

ثبت آنچه نباید به فراموشی سپرده شود

در این مسیر، اولین قدم مستندسازی بود. روشن است که بدون ثبت دقیق وضعیت موجود، هر بازخوانی جدی و عمیقی ناقص می‌ماند. به همین دلیل، از همان ابتدا تلاش شد زمینه ثبت حرفه‌ای این حادثه فراهم شود؛ از عکاسی و فیلم‌برداری گرفته تا ثبت جزئیات محیط و جمع‌آوری شواهد و نشانه‌ها. این مستندسازی فقط برای مصرف خبری یا مقطعی نیست. هدف این است که دانشگاه در آینده یک آرشیو



مدیر مسئول:
امید اخوان

جانشین مدیر مسئول:
سید محمد امین سپیدهدم

همکاران این شماره:

دکتر محمد فواز زاده، دکتر علیرضا زارعی، دکتر سمیه کوهی، مسعود ملایی، علی محمدی، امیرعلی زلیکانی، احمد رضا مجیدی، رعنا نوری

سرویس عکس:
مهدی نوروزی

ویراستار:
ملیکا هوشی

صفحه آرا:
داوود سرخوش

تقدیم می شود به ...

این شماره تقدیم به چشم‌ها! به تمام چشم‌هایی که سحرگاه ۱۷ فروردین نمی توانستند این فاجعه را باور کنند؛ چشم‌هایی که سال‌ها خاطرات شریفی‌ها در مرکز محاسبات معروف، از مقابلشان رد می شد و جایش را به اشک می داد؛ چشم‌هایی که حالا باز تر شده بودند و وعده‌های تو خالی «مداخله بشر دوستانه» و «کمک‌های ترامپ» و... را به عینه می دیدند؛ به چشم‌های ما که آینده را نظاره خواهد کرد و شریف و ایران را جلوه گر تر از همیشه، خواهد دید...

«با هم برای شریف»

سپس هر کدام به ارائه نظرات و دیدگاه‌هایشان پرداخته و به جمع‌آوری کمک‌های مالی مشغول شدند؛ رعنا نوری، دانش‌آموخته مهندسی هوافضا و عضو انجمن فارغ‌التحصیلان هم دل‌نوشته کوتاه زیر را درباره این مراسم و اقدامات نوشت:

«خبر نه، خبر را همه جامی دهند و از همه کس می شود شنید، می‌خواهم «روایت» کنم دیروز و دیشب اینجا را. یک‌شنبه، ۲۰ اردیبهشت ۴۰۵، انجمن فارغ‌التحصیلان میزبان آدم‌هایی بود که کنارشان فهمیدم به قول محمد مجیدی: «شریف یک مکان نیست، یک مفهوم است». این‌را از تک‌تک لحظات جلسه یک‌شنبه انجمن می‌شد فهمید؛ از چشم‌های تک‌تک آدم‌هایی که بودند، از حرف‌به‌حرف کلماتی که گفتند و نگفتند، از شکل راه رفتن‌ها و نشستن‌هایشان، از همه ذرات وجود و حضورشان.

قرار بود بگوییم «به هم آمده‌ایم تا "زخمی" دیگر را به هم بیاوریم؛ "افاوی شریف" را؛ برای فردای شریف و شریف فردا». اما نگفتم زخم و زخمی هم ندیدیم؛ هر چه بود امید بود؛ حجم بزرگی از انگیزه که با هیچ ضربه‌ای آسیب نمی‌دید و کم و کوچک نمی‌شد؛ درختی سبز و تناور بود که انگار شاخه‌ها و میوه‌هایش به همه‌جای دنیا می‌رسد و سایه مهرش را روی همه سستی‌ها می‌اندازد.

قرار بود حرف‌ها حول اعداد بچرخند اما آدم‌ها باز هم قواعد را بر هم زدند. برنامه‌ها و قول‌ها بزرگ‌تر از برنامه‌ریزی‌ها شدند؛ آن قدر بزرگ که احتمالاً این بار واقعاً می‌توانند عملی شوند و عظمتی عظیم بسازند؛ بزرگ‌تر و مجهزتر از چیزی که داشتیم و نداریم.

جنگ راهش را به خانه ما هم باز کرده بود و می‌خواست کم‌کم در ذهن و دل همه اعضای خانواده‌ی مان رخنه کند اما قرار شد نگذاریم؛ قرار شد شریف فرات باشد و همه ما، چه وقتی در آن درس می‌خوانیم و درس می‌دهیم، چه وقتی از آن فارغ شده‌ایم (هر چند که فراغت از آن میسر نمی‌شود ما را)، قدرش را بدانیم.

بی‌راه نیست اگر بگوییم شریفی‌ها بعد از ایرانی بودن، یک وجه مشترک دیگر هم بین خود دارند و هر جای دنیا که باشند، همین دو وجه آن‌ها را به یکدیگر نزدیک می‌کند؛ آن هم شریفی بودن. که در مسیر چند سال زندگی و درس و ورزش و فعالیت دانشجویی لایه‌لای همین آجرهای قرمز شکل گرفته و قدم‌به‌قدمش برایشان سرشار از خاطره و علاقه است.

همین باعث شد تا جنایت آمریکا و اسرائیل در هدف قرار دادن ساختمان مرکز ارتباطات و فناوری اطلاعات دانشگاه، فرد به فردشان در سراسر جهان را فارغ از دیدگاه‌های سیاسی، کنار هم قرار داده و به محکومیت این اقدام برساند.

در کنار این واکنش‌ها، طیف گسترده‌ای از فارغ‌التحصیلان و اساتید پیشنهادات مالی گوناگونی برای کمک در بازسازی و برقرار شدن مجدد این مجموعه ارائه کردند و همین باعث شد تا جمعی از فارغ‌التحصیلان و اساتید به همت انجمن فارغ‌التحصیلان، بنیاد حامیان و موسسه نیکان‌دیشان دست به راه‌اندازی «صندوق بازسازی و نوسازی شریف» بزنند و این کمک‌ها را جمع و بر مسیر هزینه آن نظارت کنند اقدامی که در گام اول با انتشار یک بیانیه کار خود را آغاز کرد.

از سوی دیگر و در ادامه این پویای عمومی، عصر روز یکشنبه از ساعت ۱۶، جمعی حدوداً ۵۰ نفره از فارغ‌التحصیلان سال‌های دور و نزدیک دانشگاه، به دعوت انجمن فارغ‌التحصیلان و با هدف همفکری و جمع‌آوری کمک مالی برای بازسازی مرکز فناوری اطلاعات دانشگاه که ۱۷ فروردین مورد حمله آمریکا و اسرائیل قرار گرفت، به شریف آمدند.

بازدید از محل اصابت موشک دشمن، اولین گام از این برنامه بود و دکتر زارعی رئیس مرکز فاوا، به ارائه فعالیت‌های مختلف این مجموعه پرداخت و هر کدام از حاضرین، سوالاتی را از وی پرسیدند.

پس از آن، جمعیت به سمت ساختمان انجمن رفته و سخنرانی جمعی از شرکت‌کنندگان از جمله دکتر تجریشی رئیس دانشگاه، دکتر مشایخی استاد پیشکسوت مدیریت و اقتصاد و... بخش‌های دیگری از آن بود.

باسمه تعالی



بیانیه شروع فعالیت صندوق بازسازی و نوسازی شریف

دوباره می‌سازیم شریف
۲۴ فروردین ۱۴۰۵

دراولین ساعات روز دوشنبه ۱۷ فروردین ۱۴۰۵ مرکز فناوری اطلاعات و ارتباطات (مرکز محاسبات) دانشگاه صنعتی شریف هدف حمله دشمن متجاوز قرار گرفت. این مرکز نقش محوری در بسیاری از فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی دانشگاه دارد. ساعتی پس از حمله گروهی از اساتید، کارکنان و فارغ‌التحصیلان حاضر در صحنه، با مدبری میان‌سال روبرو شدند که می‌خواستند دو قطعه چک مسافرتی ۵۰ هزار تومانی را که در دست داشت، برای بازسازی این مرکز اهدا کند. کمی پس از آن پیامی از یکی از کارفرمایان جوان کشور منتشر شد. در این پیام او از قصد خود برای اهدای چندین میلیارد تومان برای بازسازی مرکزی که او را در ساختن کسب و کاری موفق یاری کرد، خبر می‌داد.

علاوه بر موارد فوق پیام‌های متعدد دیگری از فارغ‌التحصیلان داخل و خارج از کشور، اساتید، شرکت‌های کوچک و بزرگ که در شش دهه گذشته از خدمات فارغ‌التحصیلان دانشگاه بهره‌مند شده‌اند و سایر اقدار ایران عزیز دریافت شد. همه این پیام‌ها حاکی از اشتیاق این عزیزان برای کمک به بازسازی زیرساخت‌های حیاتی فناوری اطلاعات، داده، هوش مصنوعی و سامانه‌های پردازش سریع دانشگاه بود. این واقعیت جرقه‌ای شد تا به سرعت «صندوق بازسازی و نوسازی شریف» پا بگیرد.

این صندوق محملی خواهد بود تا کمک‌های با منابع مختلف و با اشکال متنوع در جهت نوسازی مرکز فناوری اطلاعات دانشگاه جذب شود. همچنین کوشش می‌کنیم این منابع به بهترین شکل در ساخت مرکز جدید بهتر، روزآمدتر، کارآمدتر، موثرتر و هوشمندتر از گذشته، صرف شود.

تمامی امور مالی صندوق بازسازی و نوسازی شریف در بنیاد حامیان دانشگاه متمرکز است. دبیرخانه آن در انجمن فارغ‌التحصیلان دانشگاه مستقر است. هیئت امنای صندوق بر کلیه مراحل جذب و هزینه‌کرد منابع نظارت دقیق خواهد داشت و پاسخگوی همه همراهمان این حرکت عظیم خواهد بود.

اکنون نگاه ما به سوی تمام کسانی است که به ایران عشق می‌ورزند و بالندگی بیش از پیش آن آرزویشان است. می‌خواهیم چنان کنیم که قنوس این فناوری‌های نوین چنان از خاکستر به جای مانده از کینه‌توزی دشمن برخیزد، که خاطرات آن نسل اندر نسل به آیندگان منتقل شود. امید داریم این حرکت که با هدف بازسازی و نوسازی مرکز فناوری اطلاعات و ارتباطات دانشگاه صنعتی شریف شکل گرفته است، سرازاری باشد برای مشارکت و همدلی تمامی دلباختگان شریف و ایران. برای ساختن آینده‌ای بهتر و بالندتر.

دراولین گام شماره حساب ذیل این بیانیه برای جلب کمک‌های نقدی معرفی می‌شود. همچنین در اسرع وقت و پس از آماده شدن مقدمات لازم، نسبت به معرفی مسیرهای جذب کمک‌های ارزی و رمزارز اطلاع‌رسانی خواهد شد. هیئت امنای صندوق آماده دریافت پیشنهادهای همه فارغ‌التحصیلان، اشخاص و شرکت‌های علاقمند به همراهی با این پویای است.

اعضای هیئت امنای صندوق بازسازی و نوسازی شریف (به ترتیب حروف الفبا)

مجید دهبیدی‌پور	علیرضا زارعی	رضا سمیع‌زاده
سیاوش شهشاهی	حسین کمالیان	امینه محمودزاده
	علینقی مشایخی	


حساب شماره: ۱-۴۶۰۰۶۷۵۰۰۸۵۰۱۵۳ | شماره شبانه: ۰۱-۴۶۰۰۶۷۵۰۰۱۵۳۸۵۰۰۱۳۲۰۵۵ | شماره کارت: ۶۲۷۴۱۲۱۹۴۰۱۱۸۳۸۳

نزد بانک اقتصاد نوین به نام مؤسسه غیردولتی بنیاد عام‌المنفعه حامیان دانشگاه صنعتی شریف (صندوق بازسازی و نوسازی شریف)





برای پیوستن به جمع حامیان و سازندگان فردای فناوری و ارتباطات شریف می‌توانید از طریق راه‌های زیر اقدام کنید:



۱۵۳۸۵۰۶۷۵۰۰۴۶۱
IR۳۲۰۵۵۰۰۱۵۳۸۵۰۰۶۷۵۰۰۴۶۰۰۱
۶۲۷۴۱۲۱۹۴۰۱۱۸۳۸۳

همچنین مسیرهای همکاری با این پویای در قالب کمک‌های ارزی یا رمزارز هم به مرور اطلاع‌رسانی خواهند شد.

